

## حقوق خاص اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران «با تأکید بر قانون اساسی»

حجت‌الله ابراهیمیان\*

### چکیده

در کنار اکثریت مسلمان در کشور ایران، اقلیت‌های غیر مسلمان نیز وجود دارند که با داشتن تابعیت ایران، از اعضای ملت محسوب می‌شوند.

این مقاله درصدد تبیین حقوق خاص و ویژه اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران است؛ بدین معنا که اقلیت‌های دینی در عین تمایل به برخورداری از رفتار برابر با اکثریت، برای حفظ و پاسداری از خصایص فرهنگی - دینی خود خواهان انجام اقداماتی با حمایت دولت هستند که خوشبختانه در قوانین ایران - چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی - به این مهم پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی

حقوق، اقلیت‌های دینی، نظام سیاسی، قانون اساسی.

\*. دانشجوی دکتری رشته حقوق عمومی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

hojjat49@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۵

## مقدمه

وجود گروه‌های اقلیت در یک جامعه سیاسی، همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز در علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بوده است.

اقلیت‌ها گروهی هستند که از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیر حاکم قرار دارند. این اعضا با داشتن تابعیت آن دولت، خصایص مذهبی، قومی یا زبانی متفاوت از دیگر افراد کشور دارند و هرچند به صورتی ضمنی، نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها، مذهب و زبان خودشان احساس همبستگی دارند. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۷۸)

موضوع این نوشتار، تبیین حقوق خاص همه انواع اقلیت‌ها در جوامع نیست، بلکه این مقاله درصدد است حقوق ویژه اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران را بررسی کند. امروزه حقوق اقلیت‌ها مورد عنایت حکومت‌هاست؛ زیرا حمایت از اشخاص متعلق به گروه‌های اقلیت اساساً به نفع دولت و گروه اکثریت است؛ به‌عنوان یک قاعده عام می‌توان گفت که ثبات و امنیت کشور با حفظ حقوق اقلیت‌ها بهتر تأمین می‌شود. اگر دولت حقوق اقلیت‌ها را رعایت کند، در عوض امید است که گروه اقلیت نیز وفاداری خود را به دولت نشان دهند، در نتیجه، تمامیت ارضی کشور حفظ شود؛ زیرا ثبات و رفاه عمومی کشور به نفع اقلیت‌ها نیز خواهد بود. (Comle, 1998: 45)

همچنین رعایت حقوق اقلیت‌های دینی علاوه بر کارکرد ابزاری آن در دفع تهدیدات و مخاصمات، به‌خصوص با توجه به نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه، فی‌نفسه ارزشمند است؛ زیرا میراث مذهبی نیاکان، نقش مهمی در ساخت بنیان‌های هویتی افراد اقلیت‌ها دارد و طبیعتاً هر انسانی مایل است که هویت خود را حفظ کند؛ از طرفی پاسداری از تنوع فرهنگی جامعه طبق قانون اساسی این فرصت را به اعضای گروه‌های مختلف می‌دهد که با رعایت احترام متقابل، ارتباطات و مبادلات فرهنگی - دینی مابین خود را افزایش دهند. در این نوشتار با هدف تبیین حقوق خاص اقلیت‌های دینی در ایران، ابعاد مختلف آن همچون حق شناسایی، حقوق مذهبی، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق آموزشی - فرهنگی این اقلیت‌های دینی بررسی می‌شود.

### تعریف اقلیت‌های دینی

در آغاز این نوشتار لازم است به مفهوم دین و اقلیت‌های دینی اشاره شود. دین در لغت به معنای جزا، عادت، طاعت، قهر و غلبه و هر چه که با آن قرب به خداوند حاصل می‌شود می‌آید (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۴ / ۳۲۰) و در اصطلاح، مجموعه احکام و دستورهایی است که خداوند برای رستگاری جامعه بشری بر رسولان و پیامبران نازل کرده و اطاعت از این دستورها را بر همگان لازم دانسته و برای آن پاداش اخروی منظور داشته است. (فاضل میبدی، ۱۳۷۵: ۱۴) همچنین دهخدا دین را مجموعه عقاید موروث مقبول درباره روابط انسان با مبدأ وجود و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید می‌داند. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۰۰۴۲) در تعریفی دیگر، دین اقرار به زبان و عمل به ارکان و اعتقاد به پاداش و کیفر در جهان است. (مشکور، ۱۳۷۲: ۵) با الهام از مفهوم دین، می‌توان «اقلیت‌های دینی» را این‌چنین تعریف کرد: اهل کتاب ساکن در جامعه اسلامی که از احترام، امتیازات و حقوقی بهره‌مندند. (شریعتی، ۱۳۸۶: ۲۰) به همین منظور، اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی را تنها اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌داند که در حدود قانون در اجرای مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

### رویکرد عام و خاص در حمایت از اقلیت‌های دینی

حقوق اقلیت‌های دینی را از دو منظر می‌توان مورد توجه قرار داد؛ اول اینکه با استفاده از اصول عام حقوق بشری و اصل عدم تبعیض، افراد متعلق به اقلیت‌های دینی را از تمام حقوق انسانی که در قوانین داخلی به آنها اشاره شده است، بهره‌مند سازیم؛ بدین معنا که برابری افراد جامعه اعم از گروه‌های اکثریت و اقلیت مورد توجه این رویکرد است. در این قرائت، به مفهوم «برابری شکلی» اهمیت داده می‌شود و تلاش بر این است تا برابری قانونی شهروندان کشور، اعم از افراد متعلق به گروه‌های اقلیت و گروه‌های اکثریت، رعایت گردد. در این نگاه، هر نوع تمایز در رفتار میان گروه‌های اکثریت و اقلیت مغایر اصل برابری شهروندان است. (Gaetano, 2002: 8) این نگاه مورد توجه این نوشتار نیست و به دلیل اهمیت آن لازم است در مقاله‌ای جداگانه بررسی شود. افزون بر رویکرد گفته شده، پاره‌ای از اصول قانون اساسی و نیز قوانین موضوعه به‌طور

خاص و ویژه بر حقوق اقلیت‌ها تأکید دارند. در این رویکرد اصل برابری و مساوات میان شهروندان و مفهوم «برابری ماهوی» در درجه اول اهمیت قرار دارد. به عبارت دیگر، حفظ «هویت» افراد در مرکز توجه است. در این نگاه، اقلیت‌های دینی حق دارند که متفاوت از گروه‌های اکثریت جامعه باشند و خصایص ویژه خود را که در حقیقت، هویت این گروه‌ها را تشکیل می‌دهد، حفظ کنند. (Ibid: 13)

در این رویکرد تنها کافی نیست که شهروندان در استفاده از مزایا و امتیازات مندرج در نظام حقوق داخلی و یا معاهدات بین‌المللی حقوق بشر از برابری برخوردار باشند و تبعیض درباره آنان اعمال نشود، بلکه اگر دولت به حفظ و یا حتی توسعه خصایص ویژه اقلیت‌ها از جمله مذهب و فرهنگ خاص آنان توجه نکند، برابری ماهوی و واقعی شهروندان نقض شده است.

تحقق برابری اکثریت و اقلیت جز در پرتو تفسیر ماهوی از اصل منع تبعیض تحقق نخواهد یافت. از این رو، نظام حمایت از اقلیت‌ها علاوه بر ممنوعیت تبعیض، از گروه‌های اقلیت در برابر سیاست همسان‌سازی حمایت می‌کند. (Tennent, 1950: 174)

بنابراین، منع تبعیض از یک سو و اجرای اقدامات ویژه برای حمایت از اقلیت‌ها از سوی دیگر، صرفاً دو جنبه از موضوعی واحد هستند که همان تأمین برابری همگان است. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۶۲)

باید توجه داشت که اصل منع تبعیض متفاوت با حمایت خاص از اقلیت‌هاست؛ تبعیض به معنای هرگونه عمل یا اقدام منافی برابری رفتار میان افراد یا گروهی از مردم است که خواهان برابری هستند، در حالی که حمایت از اقلیت‌ها حمایت از گروه‌های غیر حاکمی تعریف می‌شود که در عین تمایل به برخورداری از رفتار برابر با اکثریت، برای حفظ و پاسداری از خصایص خود - که آنها را از اکثریت جامعه متمایز می‌سازد - خواهان اجرای اقداماتی متفاوت هستند.

در این باره و با تأکید بر متفاوت بودن قواعد حقوق بشر عام و حقوق اقلیت‌ها و در عین حال واحد بودن هدف هر دو، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های مذهبی ملل متحد ۱۹۹۲ پس از تأکید بر رعایت کامل و برابری قواعد عام حقوق بشر درباره اقلیت‌ها، بلافاصله در مواد بعد به رعایت حقوق خاص آنها اشاره کرده است. در بند ۲ ماده ۴ این اعلامیه آمده است:

دولت‌ها باید با اتخاذ اقدامات خاص، شرایط مناسبی را ایجاد نمایند تا اشخاص متعلق به اقلیت‌ها قادر به بیان خصایص خود و توسعه فرهنگ، زبان، مذهب، سنت‌ها و رسوم خود باشند، مگر در مواردی که انجام برخی سنت‌ها مغایر حقوق ملی و یا معیارهای بین‌المللی باشد.

در این میان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باینکه در اصل دوازده اعلام می‌دارد که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری است و این اصل تغییرناپذیر است، اما تمهیداتی را به‌طور خاص و ویژه برای پیروان دیگر ادیان الهی (اقلیت‌های دینی) در نظر گرفته است؛ همچنین در قوانین عادی نیز به حقوق ویژه اقلیت‌های دینی توجه شده است. محور این نوشتار بر رویکرد دوم استوار است، به‌طوری که با اصل قرارداد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با نگاهی جامع به حقوق ویژه اقلیت‌های دینی، درصدد استخراج حقوق خاص پیروان ادیان الهی در نظام سیاسی ایران است. البته در این باره در صورت سکوت قانون اساسی و با الهام از اصول کلی، به قوانین عادی نیز توجه می‌کند. ماده ۲۷ طبق میثاق بین‌الملل مدنی و سیاسی نیز، اشخاص متعلق به اقلیت‌ها را نمی‌توان از این حق محروم کرد که به‌طور جمعی همراه با دیگر افراد گروه از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین باشند و بر طبق آن عمل کنند. (سیدفاطمی، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

## اول. حق شناسایی

### ۱. شناسایی اقلیت‌های شناخته‌شده

شناسایی این است که اقلیت‌های دینی مورد نظر از لحاظ حقوقی، شرایط لازم را به‌عنوان اهل کتاب (منظور در قرآن) دارا هستند و در نتیجه، از حقوق مترتب بر آن برخوردار خواهند بود. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳)

این امر در اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی، بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران، چتر شناسایی را برای همه اقلیت‌های دینی موجود در این سرزمین باز نکرده است، بلکه با توجه به مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد قانون اساسی متبلور است و همچنین طبق اصل ۱۳ قانون اساسی، فقط زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان که دارای ادیان توحیدی هستند به‌عنوان «اقلیت‌های دینی» شناسایی می‌شوند.

## ۲. تکلیف غیرمسلمانان در ایران

آنچه مسلم است اینکه قانون اساسی طبق اصل ۱۳، برخی از غیرمسلمانان را که ادیان توحیدی دارند شناسایی کرده است. اکنون پرسش این است که نحوه تعامل با ایرانیان غیرمسلمان که دینی غیر از زرتشتی، کلیمی و مسیحی دارند، چگونه است؟ در اصل چهاردهم قانون اساسی آمده است:

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه / ۸)، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند.

نکته قابل توجه در اصل چهاردهم این است هرچند پیروان سایر ادیان، از قبیل بودایی، هندو و ... نمی‌توانند مراسم دینی خود را به‌طور رسمی و به هر نحوی اجرا کنند - مثلاً معبدی احداث کنند یا آنکه مطابق شریعت خویش پیمان ازدواج منعقد سازند - اما به‌هرحال آنها به حکم دستور قرآن کریم: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ اِكْرَاهِي فِي الدِّينِ نِيسْت (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است» (بقره / ۲۵۶) و طبق اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق زندگی در کشور ایران را دارند و تا زمانی که برضد اسلام توطئه نکنند کسی نباید مزاحم آنان بشود. (مهرپور، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

## دوم. حق آزادی مذهبی

اثر فوری شناسایی اقلیت‌ها، آزادی مراسم و مناسک مذهبی برای آنان است. عبادت اهل کتاب برگرفته از عقیده توحیدی آنان است و از این نظر با مسلمانان مشترک هستند. بنابراین، حق اعتقاد به ادیان سه‌گانه، آزادی ابراز عقیده براساس دین خود، آزادی اجرای مناسک و حق داشتن معبد، از حقوق مسلم آنهاست که به این موارد می‌پردازیم:

### ۱. حق اعتقاد به یکی از ادیان اهل کتاب

آزادی اعتقاد به یکی از ادیان سه‌گانه اهل کتاب در کشور اسلامی به معنای آزاد گذاشتن معتقدان آن ادیان برای زندگی در کشور اسلامی و در بین مسلمانان با اعتقاد علنی و رسمی به دین خود، از مسائل مسلمی است که هیچ اسلام‌شناسی آن را انکار نکرده است؛ چه اینکه گفتار و سیره پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام گویای این امر است. پیروان این ادیان، از صدر اسلام تا به امروز در بین مسلمانان زندگی می‌کردند و دادوستدهایی که با مسلمانان داشتند، دلیل بر این است که آنان با اعتقاد به ادیان خویش آزادانه و علنی در بین مسلمانان زندگی می‌کردند. همچنین مناظره اهل کتاب با رسول خدا ﷺ دلیل روشنی است که حضورشان در کشور اسلامی مخفی نبوده است. (شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۰۶)

امروزه نیز پیروان ادیان الهی، یعنی یهودیت، مسیحیت و زرتشت، آزادانه در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و از حقوق مذهبی خود برخوردارند.

قانون اساسی ایران در اصل ۱۳ این حضور را به رسمیت شناخته است، همچنان‌که در ماده ۱۸ و ۲۷ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی نیز بدان پرداخته شده است.

### ۲. حق ابراز عقیده براساس دین خود

حضور علنی و آزاد اقلیت‌های دینی در بین مسلمانان، دلیلی بر آزادی ابراز عقیده آنان است. توصیه قرآن به «مجادله نیک» با آنان بهترین مبنای دین بر رسمیت بخشیدن به ابراز عقیده آنهاست؛ زیرا تا آزادی ابراز عقیده براساس تعلیمات دین به فرد داده نشود، نمی‌توانیم از او بخواهیم که با ما به بحث بنشیند. (درویش‌گفتار، ۱۳۸۳: ۸۵)



آزادی بیان و ابراز عقیده، پیش فرض اصلی و کلی قرآنی «فیشر عباد» است. (زمر/ ۱۷ و ۱۸) ناگفته پیداست که آزادی ابراز عقیده، دلیل بر آزادی تبلیغ به دین خود، آن هم در بین مسلمانان نیست، بلکه منظور ابراز عقیده در محافل علمی است؛ چنانکه در آیه قبل بشارت به بندگانی است که توانایی استماع و درک مطلب و تشخیص مطلب احسن و حسن یا غیر حسن را داشته باشند؛ وگرنه اظهار عقیده با ظاهرسازی و گفتار سحرآمیز و عوام‌فریبی که فرد را مرعوب ظاهر مطلب می‌کند و او را از مفهوم آن به غفلت وامی‌دارد - که معمولاً توده مردم نیز به دنبال چنین مطلبی می‌روند - ممنوع است؛ زیرا این نوع اظهار عقیده با هدف اغوا و فریب دیگران است.

### ۳. آزادی اجرای مراسم دینی

پس از شناسایی اقلیت‌های دینی و قبول ابراز عقیده براساس دین خود، به‌طور ضرورت، آنها حق اجرای مراسم و مناسک مذهبی خود را نیز خواهند داشت. قانون‌گذار نیز اجرای مراسم دینی اقلیت‌ها را در حدود قانون آزاد می‌داند؛ زیرا همراه برخی از اعمال عبادی آنان ممکن است مراسمی باشد که اجرای علنی آن در جامعه مسلمانان حرام و در جمهوری اسلامی خلاف قانون محسوب شود. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۴)

در اصل ۱۳ قانون اساسی اجرای مراسم دینی به روشنی بیان شده است. از نظر مبنای دینی نیز زمانی که مسیحیان نجران برای شنیدن سخنان پیامبر به مدینه رفتند، حضرت به آنان اجازه دادند تا در مسجدالنبی ﷺ عبادت‌های خود را به‌جا آورند؛ به‌علاوه پس از ایشان حضرت علی علیه السلام و خلفا نیز از انجام عبادت آنان جلوگیری نکردند. همچنین بند ۹ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران بر آزادی مراسم دینی زنان اقلیت‌های دینی تأکید کرده است.

### ۴. حق داشتن معبد

لازمه آزادی در اجرای عبادت‌ها، حق داشتن معبد است؛ زیرا پیروان ادیان الهی، معمولاً عبادت‌های خود را در معابدشان به‌جا می‌آورند. در صدر اسلام سپاهیان اسلام هنگام فتح



کشورها، هیچ تعرضی به معابد اهل کتاب نداشته‌اند. حضرت علی علیه السلام در برگشت از صفین در محلی که معبد راهبی در آنجا بود با لشکریان خود استراحت کردند و نه تنها به معبد تعرضی نکردند، بلکه به صورت خوشایندی با آن راهب برخورد کردند. (شریعتی، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

اذن در اجرای مراسم دینی، اذن در تأسیس لوازم آن نیز هست. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که تأسیس و برپایی معابد رسمی (کلیسا، کنیسه و ...) لازمه اجرای مراسم دینی و بی‌اشکال است. در مذاکرات خبرگان قانون اساسی به این حق توجه شده است. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۴)

### سوم. حق استقلال در احوال شخصیه

احوال شخصیه اقلیت‌های دینی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) به مندرجات دینی آنان مربوط می‌شود و در زمره حقوق و آزادی‌های فردی است. رعایت این امور شخصی توسط جامعه اسلامی، اصولاً هیچ‌گونه مفسده اجتماعی در پی ندارد. برعکس، رعایت نکردن این قواعد، به‌ویژه که پیروان ادیان به آن انس گرفته و جزو معتقداتشان است، سبب تشنج اجتماعی و سلب آرامش خاطر آنان می‌شود. (شریفیان، ۱۳۸۰: ۴۲۷)

از نظر اسلام، به احوال شخصیه اقلیت‌های دینی، مطابق مذهب خودشان عمل می‌شود؛ زیرا اقرار مطابق مذهبشان مستلزم صحت این امور و اجازه انجام دادن آن مطابق دینشان است. البته گفتنی است که در صورتی این موارد از نظر اسلام صحیح است که مطابق دین آنان صحیح باشد. دلیل صحت ازدواج آنان، اولاً آیاتی است که در مورد کافران و همسرانشان آمده است:

و امرأته حمالة الحطب (مسد / ۴)؛ و همسرش، در حالی که هیزم کش است.

وقالت امرأت فرعون (قصص / ۹)؛ همسر فرعون گفت.

در اینجا خداوند قبول کرده که آن زن همسر آن مرد بوده با اینکه ازدواج آنها بنا بر مسلک خودشان صحیح بوده است نه اسلام؛ ثانیاً کلمات معصومان نیز مؤید این مطلب است؛ به‌علاوه، قاعده الزام درباره اهل کتاب نیز دلالت بر رسمیت ازدواج‌های اهل کتاب دارد. فقیهان مسلمان، ازدواج و طلاق اهل کتاب را در صورت صحت آن در مذهب خودشان،

صحیح دانسته‌اند؛ آنان علاوه بر تصریح به این مطلب در موارد متعددی به آن اشاره کرده‌اند. در یک اصل کلی می‌توان گفت اهل کتابی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، مجازند در احوال شخصی طبق مذهب خود رفتار کنند.

بنابراین، قوانین ارث اهل کتاب در مورد خودشان حتی در کشور اسلامی اجراشدنی است؛ کفار، پیرو هر آیینی که باشند می‌توانند از یکدیگر ارث ببرند، یعنی چنانچه مثلاً یکی یهودی و دیگری مسیحی بود از یکدیگر ارث می‌برند. (شریعتی، ۱۳۸۱: ۱۳۸)

طبق اصل ۱۳ قانون اساسی دربارهٔ پیروان سه دین رسمی، در خصوص احوال شخصیه، یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت، مقررات مربوط به مذاهب خودشان عمل می‌شود؛ حتی اگر دعوا و مسئله‌ای در دادگاه‌های ایران مطرح باشد، قاضی دادگاه، طبق قواعد مسلم مذهبی آنان، موضوع را فیصله می‌دهد. علاوه بر اصل ۱۳ قانون اساسی، ماده واحدهٔ قانون رعایت احوال شخصیهٔ ایرانیان غیر شیعه مصوب سال ۱۳۱۲ - که مفاد آن در رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۲/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مورد حکم قرار گرفته و در مصوبه سوم تیر ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با عنوان «قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی» دوباره تصویب شده - نیز به این منظور است. علاوه بر آن اگر امری وفق مذاهب ذکرشده جرم نباشد، مقررات جزایی قانون مجازات درباره آنها اجرا نمی‌شود؛ مثلاً باینکه طبق مواد ۱۶۵ و ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی خوردن شراب جرم و سزاوار هشتاد تازیانه است، طبق تبصره ماده ۱۷۴، غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر مجازات می‌شود وگرنه مجازاتی ندارد. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸۸)

چنان که گفته شد، دادگاه اسلامی موظف است در دعاوی مربوط به امور شخصی اقلیت‌ها، طبق آیین آنها حکم کند. تفاوت این افراد، با اقلیت‌هایی که دین آنان به رسمیت شناخته نشده آن است که دادگاه درباره اقلیت‌هایی که به رسمیت شناخته نشده‌اند موظف نیست طبق آیین آنان حکم کند؛ بلکه اصل کلی «حکم براساس قوانین کشوری»، بر آنان اعمال می‌شود. ناگفته پیداست که در شکل‌گیری ازدواج و یا مواردی دیگر، چنانچه رفتار قبل به اعتقاد آنان صحیح باشد، دادگاه نیز آن رفتار را با دیده صحت می‌نگرد.

البته دربارهٔ رعایت تشریفات مربوط به طلاق برای اقلیت‌های دینی پرسشی مطرح بوده است که آیا رعایت تشریفات مربوط به طلاق - همانند مراجعه به دادگاه، ارجاع به داوری و تعیین داوران و صدور گواهی عدم امکان سازش و همچنین رعایت حقوق زن که در قانون پیش بینی شده است - برای اقلیت‌های مذهبی غیرشیعه نیز لازم است یا اینکه آنها طبق عرف و رویه مسلم خود عمل می‌کنند؟ پاسخ آن طبق آنچه در روزنامه رسمی سال ۱۳۷۸ آمده، چنین است:

مراجعه به دادگاه و ارجاع امر به داوری و صدور گواهی عدم سازش از قوانین آمره بوده و برای اقلیت‌های مذهبی نیز لازم‌الرعایه است؛ و لذا نظریه اداره کل حقوقی راجع به تشریفات رسیدگی، مقررات ماده واحده ۳ قانون اصلاح مربوط به طلاق مصوب سال ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام لازم‌الرعایه است؛ به موجب ماده مزبور که از قوانین آمره است، مراجعه به دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش و مراعی داشتن حقوق زن از تشریفات رسیدگی بوده و دادگاه باید به آن عمل نماید. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۸)

#### چهارم. حقوق سیاسی

آن بخش از حقوق فرد که با حاکمیت سیاسی و نقش او در نظام سیاسی ارتباط دارد، حقوق سیاسی نامیده می‌شود. بنابراین، حق شرکت در انتخابات، تصدی مشاغل عمومی و ابراز عقیده، عناصری هستند که برخی از حقوقدانان در تعریف حق سیاسی ابراز کرده‌اند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۹۶)

حقوقی که به‌طور خاص از مفاد قوانین در ایران برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته می‌شود عبارتند از:

#### ۱. حق نمایندگی مجلس

در قانون اساسی پیش‌بینی شده که اقلیت‌های دینی شناخته‌شده می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نماینده داشته باشند و از بین هم‌کیشان خود نماینده‌ای انتخاب کنند و به مجلس بفرستند. طبق اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان

آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.

محدودیت تعداد نمایندگان اقلیت‌های دینی متناسب با تعداد جمعیت آنان در کشور است؛ زیرا با در نظر گرفتن نسبت جمعیت کشور به مجموع نمایندگان، آنان نسبت به جمعیت محدود خود به‌طور عادلانه نماینده دارند.

## ۲. حق تشکّل

امروزه یکی از حقوق سیاسی، مشارکت در حکومت در قالب انجمن‌ها و احزاب و حق نقد حاکمان است. این حق نیز برای اقلیت‌های دینی وجود دارد.

در اصل ۲۶ قانون اساسی ایران آمده است:

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

این اصل با اعلام آزادی تشکّل به‌صورت گسترده و متنوع (سیاسی، اجتماعی، صنفی و مذهبی) همانند موازین بین‌المللی، حقوق و آزادی‌های گروهی غیر قابل سلب ملت و مصالح کلی نظام را به شیوه ظریفی در هم آمیخته است. در اجرای این اصل اساسی، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی، مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مقرراتی بیان کرده است. (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

در قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰، تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده و در ماده ۴ آن آمده است:

انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب‌های اقلیت دینی که هدف آن، حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

هم‌اکنون انجمن‌ها و جمعیت‌های متعددی از اقلیت‌های دینی در سراسر کشور وجود دارند و فعالیت می‌کنند و هویت فرهنگی - مذهبی خود را حفظ می‌نمایند. (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸۸) با توجه به حق قانونی گفته شده، اقلیت‌های دینی شناخته شده در صورت تمایل می‌توانند با مراجعه به وزارت کشور، تقاضای صدور پروانه کنند تا طبق ضوابط و تشریفات مقرر به گروه آنان رسمیت داده شود. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۸۵)

همچنین طبق ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی، متقاضیان تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، باید همگی از اعضای یک اقلیت شناخته شده باشند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۶۱)

### پنجم. حقوق اجتماعی

گرچه قانون اساسی تصریحی به حقوق اجتماعی اقلیت‌های دینی ندارد، براساس اصل تساوی عمومی در مقابل قانون و برخورداری همه افراد ملت از حقوق مساوی در تمام زمینه‌ها، از جمله احراز مشاغل عمومی، اقلیت‌های دینی نیز از این حقوق بهره مند خواهند بود. از این جهت در قوانین عادی استخدامی و اداری بیشتر وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، برای ورود اقلیت‌های دینی منعی نیست. (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

در قوانین عادی ایران، اقلیت‌های دینی از حقوق اجتماعی بهره‌مندند که به این حقوق اشاره می‌شود:

#### ۱. معافیت از مالیات

در بند ک ماده ۶۴ قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم آمده است:

موقوفات و کمک‌ها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی مربوط به اقلیت‌های دینی گفته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط به اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۰)

## ۲. رایگان بودن حق انشعاب آب و برق

در تبصره ۱۹ ماده واحد قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور آمده است:

معابد اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی برای یک‌بار و یک انشعاب از پرداخت حق انشعاب آب، دفع فاضلاب، برق و گاز معاف می‌باشند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۵)

## ۳. معافیت از حق ثبت

در ماده قانون اصلاح موادی از آیین‌نامه قانون ثبت آمده است:

کلیساها و معابد اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی و کاروانسراهای عباسی و رباط‌ها از حق‌الثبت معاف هستند. معافیت سایر سازمان‌ها و ارگان‌ها تابع مقررات خاص خود می‌باشد. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۰)

## ۴. سردفتر ازدواج و طلاق

در ماده ۲ نظامنامه مربوط به انتخابات سران دفاتر ازدواج و طلاق چنین آمده است:

تبصره ۲: سردفتر ازدواج و طلاق اقلیت‌های دینی با رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه آنان و شرایط مندرج در ماده ۴ و تبصره ۲ آن و پس از معرفی و گواهی مراکز رسمی دینی مربوط، منصوب خواهد شد. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۸)

## ۵. استخدام در نیروی انتظامی

در ماده ۱۷ از فصل دوم قانون و مقررات استخدامی نیروی انتظامی آمده است:

شرایط عمومی استخدام در کادر ثابت و پیمانی به این شرح است:  
الف) اعتقاد و التزام عملی به مبانی و احکام و رعایت اخلاق اسلامی؛  
تبصره ۲: اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی که تا تاریخ تصویب این قانون استخدام شده‌اند از نظر ادامه خدمت از بند الف مستثنا می‌باشند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۴)

#### ۶. حق اخذ پروانه کارشناسی

در ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی دادگستری آمده است:

متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی علاوه بر وثاقت باید واجد شرایط ذیل باشند:

الف) متدین به دین اسلام و یا یکی از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۱)

#### ۷. نامگذاری اسامی خاص

در آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه آمده است:

افرادی که علاوه بر زبان فارسی به یکی از زبان‌های خاص اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی یا گویش‌های محلی و قومی رایج در بعضی مناطق ایران سخن می‌گویند، مجازند از اسامی خاص متعلق به آن زبان یا گویش در نامگذاری محصولات و مؤسسات و اماکن مربوط به خود در همان مناطق استفاده کنند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۸)

#### ۸. عضویت در نظام پرستاری

تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران در مورد شرایط انتخاب‌شوندگان هیئت‌های نظام پرستاری شهرستان‌ها و شورای عالی نظام پرستاری چنین سخن می‌گوید:

اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند، مشروط به اینکه تجاهر به نقض احکام اسلامی را ننمایند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۰)

#### ۹. مرخصی برای زندانیان

در ماده ۲۲ مکرر آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور آمده است:



علاوه بر مرخصی‌های پیش‌بینی‌شده در موارد فوق، قاضی ناظر زندان می‌تواند در عید نوروز و اعیاد اقلیت‌های دینی رسمی کشور، پس از اخذ تأمین متناسب به زندانیان محکوم حداکثر هفت روز مرخصی اعطا نماید. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۹)

#### ۱۰. حق مرخصی در عید مذهبی

در ماده ۵۱ آیین‌نامه استخدامی مشترک شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی ایران آمده است: «کارمند می‌تواند علاوه بر مرخصی استحقاقی در موارد زیر با استفاده از حقوق و فوق‌العاده‌های مندرج در حکم کارگزینی، از مرخصی برخوردار شود:

ت: مراسم و اعیاد مذهبی اقلیت‌های مذهبی، یک روز.

بنابراین از مجموع حقوق اشاره شده که بخشی از حقوق اجتماعی است، به این نتیجه می‌رسیم که نظام حقوقی ایران به رعایت حقوق اقلیت‌های دینی، اهتمام می‌ورزد و با ذکر نام، آنان را در کنار دیگر شهروندان مسلمان، به‌طور خاص بهره‌مند می‌کند.

#### ششم. حقوق آموزشی - فرهنگی

##### الف) حقوق آموزشی - فرهنگی در قانون اساسی ایران

قانونگذار اساسی در نظام حقوقی ایران در اصل سیزدهم با ظرافت خاص و به‌روشنی این مطلب را پذیرفته است که ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی در تعلیمات دینی، طبق آیین خود عمل کنند. وقتی به‌روشنی چنین مطلبی در قانون اساسی آمده است، آموزش تعلیمات دینی این سه دین الهی نیز مجاز اعلام می‌شود و پیروان این ادیان حق خواهند داشت که تعالیم آن را یاد بگیرند و یاد بدهند. همچنین در اصل پانزدهم، استفاده از زبان‌هایی غیر از زبان فارسی در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس ادبیات آن زبان‌ها را در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد اعلام می‌کند؛ برای مثال، آموزش زبان ارمنی، در مطبوعات و رسانه‌ها و تدریس آن در مدارس خاص در کنار زبان فارسی مانعی ندارد.

در جلسه تصویب اصل پانزدهم در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، آقای «هرای خالاتیان» نماینده ارامنه اعلام کرد که ارامنه جا و محل مشخص ندارند، ولی زبان مخصوص

دارند و از این رو، کلمه «قومی» به «زبان‌های محلی» در اصل پانزده اضافه شود تا در صورتی که مایل بودند به زبان خود - مثلاً - مجله‌ای منتشر کنند، با مشکلی روبه‌رو نشوند. این تذکر پذیرفته شد. (ورعی، ۱۳۸۵: ۲۴۲)

بنابراین، قانون اساسی ضمن اعلام برتری اکثریت زبانی و مذهبی و حقوق فرهنگی برگرفته از آنها، برای اقلیت‌های دینی، حقوقی را قائل شده است که می‌تواند به‌نحوی ارضاکنده هویت‌های فرهنگی آنان باشد:

۱. همان‌طور که اشاره شد، در قانون اساسی با تأکید بر اینکه زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، هویت‌های فرهنگی گروه‌های اقلیت که زبان، نماد بارز آن است، مورد توجه قرار گرفته و مقرر شده است: «استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی، آزاد است». (اصل پانزدهم قانون اساسی)

به تریبی که ملاحظه می‌شود، هویت‌های فرهنگی و زبانی به‌نوعی در محدوده‌های جغرافیایی مشخصی نمایان می‌شود. مندرجات اصل یکصدم دربارهٔ عدم تمرکز جغرافیایی را می‌توان مؤید این موضوع دانست که مقرر می‌دارد برای پیشبرد سریع برنامه‌های ... فرهنگی (و) آموزشی ... با توجه به مقتضیات محلی، ادارهٔ امور محلی با نظارت شوراهای محلی ای صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم هر محل انتخاب می‌کنند. به این ترتیب، مردم هر محل می‌توانند البته «با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی» در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی خود ابتکار عمل و مشارکت داشته باشند.

۲. اصل سیزدهم قانون اساسی، اجرای مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه را که در مجموع، آثار و جلوه‌های فرهنگی ویژه دارند، برای اقلیت‌های دینی یعنی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی آزاد گذاشته است. برای برخورداری شایسته از این حقوق شناخته شده، آزادی تأسیس و دایر کردن مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها از یک‌سو و مدارس دینی و مذهبی مربوط از سوی دیگر، برای هر یک از گروه‌های گفته شده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۲۰)

### ب) حقوق آموزشی - فرهنگی در قوانین عادی

با توجه به اشاره های قانون اساسی به حقوق مذکور، جلوه هایی از حقوق آموزشی - فرهنگی که قوانین عادی برای اقلیت های دینی در نظر گرفته است، بیان می شود:

#### ۱. استفاده از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبت های ویژه برای اقلیت های دینی

کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش در جلسه شماره ۲۹۸ خود در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۶ درباره شیوه استفاده دانش آموزان اقلیت های مذهبی شاغل به تحصیل در مدارس عادی از تعطیلات اعیاد مذهبی و مناسبت های ویژه مقرر می دارد که:

دانش آموزان اقلیت های مذهبی شاغل به تحصیل در مدارس عادی مجاز خواهند بود در اعیاد مذهبی و مناسبت های ویژه از مفاد رأی دوپست و شانزده همین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۵۹/۸/۲۵ استفاده نمایند.  
(مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۸۲)

#### ۲. تعطیل کردن مدارس خاص کلیمیان در روزهای شنبه

بنا به تقاضای نماینده کلیمیان که متقاضی تعطیل کردن مدارس خاص کلیمی در روزهای شنبه بوده اند و موضوع از طریق وزارت آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه گردیده بود، این شورا با تقاضای مذکور موافقت کرد. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۶۸)

#### ۳. تدریس دروس دینی ارامنه در مدارس ارامنه

به دلیل تقاضای نمایندگان ارامنه در مجلس شورای اسلامی که متقاضی تدریس تعلیمات دینی کلیسای ارامنه (به زبان ارمنی) در مدارس ارامنه بودند و از طریق وزارت آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه شده بود، این شورا موافقت کرد که:

هموطنان ارمنی در مدارس خاص خود بتوانند دروس دینی خود را به زبان ارمنی، تدریس کنند، بدون آنکه نمره ای برای این دروس در کارنامه دانش آموزان منظور گردد. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۰)

#### ۴. حق تأسیس مدارس غیرانتفاعی

تبصره ۳ ماده ۳ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی ضمن اینکه شرایط مؤسس یا مؤسسان را

بیان می‌کند، با پذیرش این نکته که اقلیت‌های دینی می‌توانند چنین مدرسی را تأسیس کنند، اعلام می‌دارد:

مؤسسان مدارس اقلیت‌های دینی شناخته‌شده موضوع این قانون توسط مراجع رسمی مذهبی آنان، که تابع و مقیم کشور هستند، یا نمایندگان مورد تأیید ایشان باشند، به وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌شوند. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۶۷)

#### ۵. شرط ورود به دانشگاه

در آیین‌نامه گزینش اخلاقی داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها، ضمن پذیرش دانشجویان اقلیت‌های دینی، تأکید می‌کند که داوطلبانی حق ورود به دانشگاه‌ها را دارند که علاوه بر قبولی در امتحانات کنکور، شرایط ذیل در مورد آنان احراز شده باشد:

۱. تدین به دین اسلام یا یکی از ادیان آسمانی؛
۲. هرگاه داوطلبی در هنگام ورود به دانشگاه مدعی مسلمانی یا متدین بودن به یکی از ادیان آسمانی دیگر گردید، ادعای او پذیرفته خواهد شد، مگر اینکه در یک محکمه صالح رسمی خلاف آن ثابت شود که در آن صورت، از شخص مزبور حق تحصیل (و اگر وارد دانشگاه شده باشد حق ادامه تحصیل) سلب خواهد شد. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۶۳)

#### ۶. حق تأسیس آموزشگاه

در ماده ۱۰ آیین‌نامه شیوه تشکیل و اداره آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای آمده است:

- امتیاز تأسیس آموزشگاه به اشخاص حقیقی یا حقوقی که دارای شرایط زیر باشند پس از حصول شرایط ماده یازده، اعطا می‌گردد:
۱. تابعیت ایران؛
  ۲. مسلمان یا پیرو یکی از اقلیت‌های دینی شناخته‌شده و ملزم به پیروی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۶۵)

#### ۷. حق انتخاب دروس معارف اسلامی برای اقلیت‌های دینی

در بند ۶ سرفصل دروس معارف اسلامی که شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رساند،

آمده است:

دانشجویان اقلیت‌های دینی می‌توانند دروس مورد نظر خود را بدون هیچ محدودیتی از بین کلیه دروس مندرج در جدول دروس عمومی معارف اسلامی انتخاب کرده و بگذرانند. (مصوبه جلسه ۵۴۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نقل از: dastour.Ir)

#### ۸. حق تأسیس مراکز فرهنگی برای اقلیت‌های دینی

ماده ۳ ضوابط و مقررات تأسیس مراکز و مؤسسات و کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی ضمن پذیرش حق تأسیس این مراکز برای اقلیت‌های دینی، تأکید می‌کند که تأسیس مراکز فرهنگی اقلیت‌های دینی رسمی کشور در محدوده امور فرهنگی آن اقلیت، منوط به اخذ مجوز و طبق ضوابط خواهد بود. (مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۵۷)

با توجه به این مطالب روشن است که نظام حقوقی ایران، حقوق فرهنگی و آموزشی را به‌طور خاص برای اقلیت‌های دینی ساکن در این سرزمین در نظر گرفته است. نکته مهم اینکه، ممکن است برخی از محدودیت‌ها در بهره‌مندی اقلیت‌ها از حقوق خود با موازین بین‌المللی، سازگاری نداشته باشد که با توجه به مندرجات اعلامیه ۱۹۹۲ حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی توجیه‌شدنی است؛ زیرا این اعلامیه شرط بهره‌مندی از حقوق خاص برای اقلیت‌ها را مغایر نبودن با حقوق ملی هر کشور، بیان می‌کند.

#### نتیجه

از مجموع مباحث ارائه‌شده در این نوشتار می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱. برای حمایت از اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی ایران از دو رویکرد می‌توان استفاده کرد: عام و خاص. در رویکرد خاص - که تلاش این نوشتار برای تبیین همین رویکرد بوده است - اقلیت‌های دینی علاوه بر بهره‌مندی از حقوق عام - از این جهت که انسانند - حقوق و مزایایی خاص نیز دارند.

۲. طبق قانون اساسی، تنها اقلیت‌های دینی در این کشور، زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان هستند؛ با این بیان، نگرش نظام سیاسی ایران از این جهت که همه اقلیت‌های موجود در

جامعه را به‌عنوان اقلیت به رسمیت نمی‌شناسد، با نظام بین‌الملل متفاوت است.

۳. اقلیت‌های دینی غیر از سه دین مورد اشاره، به‌عنوان اقلیتی که مورد شناسایی نظام سیاسی ایران قرار گرفته و از حقوق و مزایای اقلیت‌ها بهره‌مند باشند، پذیرفته نشده‌اند. این گروه - مثل هندوها - طبق اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به پشتوانه آیات قرآنی، حق زندگی در کشور ایران را دارند و دولت اسلامی و مسلمانان موظفند با آنها با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار و حقوق انسانی‌شان را رعایت کنند.

۴. نظام جمهوری اسلامی، پیروان سه دین توحیدی را به‌عنوان اقلیت شناخته است، بنابراین برای پیروان این ادیان، حقوق و امتیازاتی را پذیرفته است که به این مزایا در این نوشتار عنوان «حقوق خاص» اطلاق شد. حقوق مذهبی، استقلال در احوال شخصیه، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق آموزشی و فرهنگی از جمله امتیازاتی است که این مقاله با توجه به مستندات قانونی برای اقلیت‌های دینی به اثبات رسانده است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، محمد، ۱۳۸۳، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*، تهران، دانشگاه تهران.
۳. درویش‌گفتار، احمد، ۱۳۸۳، *حقوق اقلیت‌ها در قرآن*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۲، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۵. سیدفاطمی، سیدمحمد قاری، ۱۳۸۷، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
۶. شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۱، *حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *اقلیت‌های دینی*، تهران، کانون اندیشه جوان.

۸. شریفیان، جمشید، ۱۳۸۰، *راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه های حقوق بشر در سازمان ملل متحد*، تهران، وزارت امور خارجه.
۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۷۰، *آزادی های عمومی و حقوق بشر*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. عزیزی، ستار، ۱۳۸۵، *حمایت از اقلیت ها در حقوق بین الملل*، همدان، نور علم.
۱۱. فاضل میبدی، محمدتقی، ۱۳۷۵، *دین چیست؟*، قم، نشر خرم.
۱۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۲ ه. ق، *قاموس المحيط*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۱۳. *مجموعه روزنامه رسمی*، ۱۳۶۱، *آیین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب*، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی مربوط به قانون مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، *فصل چهارم، اقلیت های دینی ماده ۳۷*، به نقل از:  
[www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، *مصوبه هفتمین و هشتمین جلسه مورخ ۹ و ۱۳۶۳/۱۱/۱۶ شورای عالی فرهنگی در خصوص ورود به دانشگاه ها*.
۱۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۵، *آیین نامه نحوه تشکیل و اداره آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۵/۷/۶*، هیئت وزیران.
۱۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۸، *مصوبه دویست و دهمین جلسه مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص تعطیلی مدارس خاص کلیمی در روزهای شنبه*.
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۴، *قانون و مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران*، *فصل دوم، شرایط عمومی استخدام و طبقه بندی*، بخش دوم، *شرایط عمومی استخدام*، ماده ۱۷، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، *ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون ها و انجمن های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آنها مصوب جلسه ۱۳۷۵/۶/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی*.



۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، نظامنامه مربوط به انتخابات سران دفاتر ازدواج و طلاق، ماده ۲، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه، ماده ۶، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، اصلاح مواد ۲۲۰ تا ۲۲۳ آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، ماده ۲۲۲، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، اصلاح موادی از آیین‌نامه قانون ثبت ماده ۴۰، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، قانون ایجاد سازمان نظام پرستاری جمهوری اسلامی ایران، فصل چهارم، ماده ۲۲، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، قانون اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم، ماده ۶۴، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱، قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، ماده ۱۵، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، مصوبه دویست و نود و هشتمین جلسه کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۶، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، قانون بودجه سال ۱۳۸۶، ماده واحده، تبصره ۱۹، به نقل از: [www.dastour.ir](http://www.dastour.ir)
۲۸. مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۲، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، تهران، شرق.
۲۹. مهرپور، حسین، ۱۳۷۸، حقوق بشر و راه‌کارهای اجرایی آن، تهران، اطلاعات.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، رئیس‌جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، تهران، انتشارات اطلاعات.

۳۱. ورعی، سیدجواد، ۱۳۸۵، *مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار*، قم، انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

۳۲. هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۲، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر میزان.

۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، میزان.

34. comle, peck, 1998, substantial peace: *The Role of the an and Regional organizations in preventing conflict*, London, Rowman and littlefield publishers.

35. Gaetano, pent assuglia, 2002, Minoity Rights and the Role of Law: *Reflections on Themes of Discourse in kymlickas Appyoch of Ethnocultural Identity*, for the fall text see: www. Ecml. Dejemiel download / focas 4, pentassuglia kymlica pdf.

36. Tennent Harrington, Baglay, 1950, *General principles and problems in the International protection of Minovities*, Geneva Im Primeries Populaires.

